

نقدی بر ترجمه های فارسی آیه «و ظُنُّوا أَنَّهُمْ قَدْ كَذَّبُوا»

محمد رضا ستوده نیا^۱

فاطمه طائبی اصفهانی^۲

چکیده

قرآن برای هدایت همه نسلها است چنانچه خدای متعال می فرماید: «تَبَارَكَ الَّذِي نَزَلَ الْفُرْقَانَ عَلٰی عَبْدِهِ لِيَكُونَ لِلْعَالَمِينَ نَذِيرًا» (الفرقان، ۱) در این کلام الهی که برای هدایت ابدی بشر است، هر واژه یا کلمه بر اساس حکمتی صورت گرفته است لیکن با بررسی ترجمه های موجود از قرآن به نظر می رسد برخی از آنها ما را به غایت و هدفمان که بهره بردن از کلام وحی است نمی رسانند. در این مقاله نگارنده با شیوه تحلیلی تطبیقی به بررسی ترجمه های آیه آخر سوره یوسف پرداخته است و با ارائه دیدگاههای کلامی، قرائی و روایی ضعف و لغزش برخی از ترجمه ها را در عبارت **ظُنُّوا أَنَّهُمْ قَدْ كَذَّبُوا** به دست آورده است؛ در واقع مترجمین و مفسرینی که چنین ترجمه ای را ارائه داده اند در توجیه ترجمه خود روایاتی را آورده اند که آن احادیث از نظر سند و متن مورد مناقشه قرار گرفته است؛ همچنین با بررسی اختلاف قرائات و دلایل و حجج قرائی به این نتیجه رسیده که این ترجمه هیچ توجیه قرائی ندارد و در نهایت این ترجمه کنار گذاشته می شود و در نهایت دلیل و علت این برداشت در نظرات مفسرین بدست می آید.

کلید واژه ها: اختلاف قرائت، ترجمه قرآن، سوره یوسف، عصمت

bayanelm@yahoo.com

Taebi1379@gmail.com

۱- استاد یار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه اصفهان

۲- دانش آموزخته کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث دانشگاه اصفهان

مقدمه

از آنجا که ترجمه برگردان متنی از زبانی به زبان دیگر با رعایت مفهوم و محتوای آن و ترجمه قرآن فشرده تفسیر به حساب می آید باید منعکس کننده مفهوم و محتوای زبان مبدا باشد لذا در کنار نشر ترجمه‌های ارزشمند، مقالات فراوانی به نقد ترجمه‌های موجود یا کهن پرداخته اند که برای مترجمان بسیار سودمند است و آنان را هر چه بیشتر از لغزش‌ها دور نگاه خواهد داشت. در این پژوهش به بررسی ترجمه‌های موجود از آیه «حَتَّىٰ إِذَا اسْتَيْسَرَ الرَّسُولُ وَاظُنُّوا أَنَّهُمْ قَدْ كَذَّبُوا جَاءَهُمْ نَصْرُنَا فَنُجِّيَ مَنْ نَشَاءُ» پرداخته شده است و چهار مفهوم کلی از آنها به دست می آید که به نقد و بررسی آنها پرداخته خواهد شد در راستای تحقق هدف مذکور ترجمه‌ها، تفاسیر و اختلاف قرائت این آیه بررسی می شود و از آنجا که گروه سوم ترجمه با دلایل کلامی مربوط به عصمت انبیاء معارض است و با دلایل قرائی، نیز همخوانی ندارد کنار گذاشته می شود این نوشتار در راستای نقد ترجمه آیه ۱۱۰ سوره مبارکه یوسف به بررسی علت ترجمه به صورت مذکور نیز پرداخته است.

تحقیق در ترجمه آیه ۱۱۰ سوره مبارکه یوسف

آیه: حَتَّىٰ إِذَا اسْتَيْسَرَ الرَّسُولُ وَاظُنُّوا أَنَّهُمْ قَدْ كَذَّبُوا جَاءَهُمْ نَصْرُنَا فَنُجِّيَ مَنْ نَشَاءُ وَلَا يُرَدُّ بَأْسُنَا عَنِ الْقَوْمِ الْمُجْرِمِينَ. (یوسف، ۱۱۰).
از آیاتی که به صورت‌های گوناگون ترجمه شده است، آیه فوق می باشد اینک چند نمونه از ترجمه‌های آن آورده می شود:

- چون پیامبران نومید شدند و چنان دانستند که آنها را تکذیب می کنند، یاریشان کردیم و هر که را که خواستیم نجات دادیم و عذاب ما از مردم گنهکار بازگردانیده نشود. (آیتی، ۲۴۸).

- تا آنجا که پیامبران از آنها مأیوس شدند و گمان بردند که به آنها دروغ گفته شده است. در آن حال یاری ما فرا رسید و هر کسانی را خواستیم نجات یافتند و عذاب ما از مردم گنهکار بازگردانده نمی شود. (ارفع، ۲۴۸).

- (مردم با انبیاء چندان ضدیت کردند) تا آنجا که رسولان مأیوس شده و گمان کردند که وعده نصرت خدا خلاف خواهد شد (یا گمان کردند که دیگر هیچ کس تصدیق آنها نخواهد کرد) در آن حال یاری ما بدیشان فرا رسید تا هر که ما خواستیم نجات داده شد، و نیز قهر و انتقام ما از بدکاران عالم باز گردانده نخواهد شد. (الهی قمشه‌ای، ۲۴۸).

- [پیامبران، مردم را به خدا خواندند و مردم هم حق را منکر شدند] تا زمانی که پیامبران [از ایمان آوردن اکثر مردم] مأیوس شدند و گمان کردند که به آنان [از سوی مردم در وعده یاری و حمایت] دروغ گفته شده است. [ناگهان] یاری ما به پیامبران رسید پس کسانی را که خواستیم رهایی یافتند و عذاب ما از گروه مجرمان برگردانده نمی شود. (انصاریان، ۲۴۸)

- آن قدر مردم نادان با انبیاء مخالفت و ضدیت نمودند تا اینکه رسولان ما ناامید و مأیوس گشته و گمان می کردند که وعده نصرت و یاری ما دروغ و خلاف بوده و در چنین مواقعی ما ایشان را یاری نموده هر که را می خواستیم نجات می دادیم و قهر و انتقام ما از تبه کاران دور نمی شد. (۴۲۵).

- [کافران چندان به انکار پیامبران اصرار می ورزیدند که] آنها از ارشاد نومید شده و از این فکر که از سوی مردم خود تکذیب شده بودند رنج می بردند، در چنین وضع و حالی نصرت ما فرا می رسید و انسانهای شایسته ی لطف خود را نجات خیر عنایت می فرمودیم و البته عذاب ما از گناهکاران هرگز دفع شدنی نبوده و نخواهد بود. (صفارزاده، ۵۶۳).

- تا هنگامی که پیامبران به نومییدی نزدیک گشتند و (کافران) گمان بردند که به ایشان (یعنی پیامبران) دروغ گفته شده است یاری ما به ایشان در رسید و آن کس که می خواستیم نجات یافت، و کیفر دردناک ما از گروه تبهکاران باز داشته نمی شود. (فارسی، ۴۹۷).

مروری بر ترجمه های چهارگانه

با توجه به نمونه های بالا و ترجمه های دیگری که به آدرس آنها اکتفا می شود؛ مشخص شد که عبارت ظَنُّوا أَنَّهُمْ قَدْ كُذِّبُوا به صورت های ذیل ترجمه شده است:

ترجمه اول: تکذیب شدن انبیاء توسط کفار یا مردم که ترجمه های همسو با آن به شرح ذیل است:

آیتی، ۲۴۸؛ اسفراینی، ۳/ ۱۱۲۹؛ اشرفی تبریزی، ۲۴۸؛ امین، ۶/ ۴۳۶؛ پاینده، ۲۰۴؛ رضایی اصفهانی و همکاران، ۲۴۸؛ شعرانی، ۲۲۹؛ صادق نوبری، ۱/ ۲۱۵؛ صفارزاده، ۵۶۳؛ صفی علیشاه، ۳۷۵؛ کاویانپور، ۲۴۸؛ مصباحزاده، ۲۴۸.

حَتَّى إِذَا اسْتَيْأَسَ الرُّسُلُ يَعْنِي أَنْبِيَاءَ دَعْوَتِ مِي كَنَدتَا زَمَانِي كَه مَأْيُوسٍ شَوْنَدتَا اَز اِيْمَانِ قَوْمِ پَسِ اَز يَأْسِ اَنهَآ رَا رَهَا مِي كَنَدتَا وَظَنُّوْا وَ يَقِيْنِ پيدا كَرْدَنَدتَا كَه ظَنِّ اِنجَا بَه مَعْنِي يَقِيْنِ اَسْتِ بَه قَرِيْنَه لَفْظِ بَأْسٍ؛ اَنهَمُ قَدْ كُذِّبُوا كَه قَوْمِ اَنهَآ رَا تَكْذِيْبِ كَرْدَنَدتَا وَ فَرْمَايِشَاتِ اَنهَآ رَا دَرُوغِ پَنْدَاشْتَنَدتَا وَ تَصْدِيْقِ نَكْرَدَنَدتَا. (طِيْب، ۱۳۷۸، ۷/ ۲۹۵).

تَفَاسِيْرَهْمَسُوْ بَا مَوْرِدِ اَوَّلِ بَه شَرْحِ ذِيْلِ اَسْتِ: اَنْدَلْسِي، ۳۳۶ / ۶؛ مَتْرَجْمَان، ۳۱۵-۳۱۴ / ۱۲؛ اَبِي زَرْعَه عَبْدِالرْحَمَنِ بِنِ مُحَمَّدِ بِنِ زَنْجَلَه، ۳۶۶-۳۶۷؛ نَجْفِي خَمِيْنِي، ۲۲۰-۲۱۹ / ۸؛ قَرَشِي، ۱۸۸ / ۵؛ خَسْرَوَانِي، ۴۴۳ / ۴؛ مَكَّارْمِ شِيْرَازِي وَ هَمَكَّارَان، ۹۸ / ۱۰.

ترجمه دوم: گمان مردم بر اینکه انبياء به آنها دروغ گفته اند که ترجمه های همسو با آن به شرح ذیل است:
اَرْفَع، ۲۴۸؛ اَنْصَارِي، ۲۴۸؛ اَنْصَارِيَان، ۲۴۸؛ بَرْزِي، ۲۴۸؛ بَهْرَامِ پُور، ۲۴۸؛ خَوَاجُوِي، ۹۴؛ دَهْلُوِي، ۵۳۱؛ سِرَاج، ۲۴۸؛ طَاهِرِي قَرْوِيْنِي، ۲۴۸؛ فُولَادُوْنَد، ۲۴۸؛ قَرَشِي، ۱۸۲ / ۵؛ مَتْرَجْمَان، ۷۵۸ / ۳؛ مَجْتَبُوِي، ۲۴۸؛ مَشْكِيْنِي، ۲۴۸؛ مَعْرِي، ۲۴۸؛ مَكَّارْمِ شِيْرَازِي، ۲۴۸؛ مِيْدِي، ۱۴۴ / ۵؛ نَسْفِي، ۴۶۷ / ۱؛ يَاسَرِي، ۲۴۸.

اِيْنِ نَظَرِ اَز كَفْتَه سَعِيْدِ بِنِ جَبِيْرِ وَ عَبْدِاللّٰهِ عَبَّاسِ بَدَسْتِ مِي آيِدِ كَه اَمَّتِ پِيَامْبِرَانِ گَمَانِ بَرْدَنَدتَا پِيَامْبِرَانِ دَرِ وَعْدَه نَزُوْلِ عَذَابِ يَا نَصْرِ وَ فَتْحِ بَه اِيْشَانِ دَرُوغِ كَفْتَه اَنْد. (اَبُوالْفَتْوْحِ رَازِي، ۱۱ / ۱۷۱).

كَفْتَه شُدِه: ضَحَّاكُ وَ سَعِيْدِ بِنِ جَبِيْرِ دَرِ مَجْلِسِي بَه هَمِ رَسِيْدَنَدتَا وَ دَرِ اَنِّ مَجْلِسِ اَز سَعِيْدِ بِنِ جَبِيْرِ پَرَسِيْدَنَدتَا: اِيْنِ آيَه رَا چْكَوْنَه قَرَائْتِ مِي كَنِي؟ وَ يِ (بَر طَبِيْقِ قَرَائْتِ مَشْهُورِ) «كُذِّبُوا» بَه تَخْفِيْفِ خَوَانَدِ وَ چِنِيْنِ مَعْنَا كَرْدِ كَه: مَرْدَمِ گَمَانِ كَرْدَنَدتَا كَه رَسُوْلَانِ بَه اَنهَآ دَرُوغِ كَفْتَه اَنْد. ضَحَّاكُ كَه اِيْنِ مَعْنِي وَ قَرَائْتِ رَا شَنِيْدِ كَفْتِ: چِنِيْنِ چِيْزِي تَا اَمْرُوْزِ نَشْنِيْدَه بُوْدَمِ وَ اِگَرِ بَرَايِ فَهْمِ اِيْنِ مَطْلَبِ بَه يَمَنِ رَهسَپَارِ مِي شُدَمِ كَارِ عَجِيْبِي نَبُوْد. (طَبْرَسِي فِضْلِ بِنِ حَسَنِ، ۴۱۴-۴۱۳).

تَفَاسِيْرَهْمَسُوْ بَا مَوْرِدِ دُوْمِ بَه شَرْحِ ذِيْلِ اَسْتِ: طُوْسِي، ۲۰۸ / ۶؛ اَنْدَلْسِي، ۳۳۶ / ۶؛ مَتْرَجْمَان، ۳۱۵-۳۱۴؛ اَبِي زَرْعَه عَبْدِالرْحَمَنِ بِنِ مُحَمَّدِ بِنِ زَنْجَلَه، ۳۶۶-۳۶۷؛ مَتْرَجْمَان، ۲۵۳ / ۳؛ مَصْطَفُوِي، ۱۲۱ / ۱۲؛ حَسِيْنِي هَمْدَانِي، ۱۴۹ / ۹.

ترجمه سوم: گمان انبياء بر اینکه وعده خداوند خلاف خواهد شد که ترجمه های همسو با آن به شرح ذیل است:

* (مردم با انبياء چندان ضدیت کردند) تا آنجا که رسولان مأیوس شده و گمان کردند که وعده نصرت خدا خلاف خواهد شد (یا گمان کردند که دیگر هیچ کس تصدیق آنها نخواهد کرد). (الهی قمشاهی، ۲۴۸).

* آن قدر مردم نادان با انبیاء مخالفت و ضدیت نمودند تا اینکه رسولان ما ناامید و مأیوس گشته و گمان می کردند که وعده نصرت و یاری ما دروغ و خلاف بوده. (بروجردی، ۴۲۵).

* تا چون نومید شد پیغامبران و گمان بردند که ایشان هراینه دروغ گفته شد، آمد ایشان را یاری ما. (۲۰۹).

پیامبران بشر بودند و در سخت‌ترین حالات قرار می‌گرفتند و گویا تمام درها به روی آنها بسته می‌شد و هیچ راه گشایشی به نظر نمی‌رسید، و فریاد مؤمنانی که کاسه صبرشان لبریز شده بود مرتباً در گوش آنها نواخته می‌شد، در این حالت در یک لحظه ناپایدار به مقتضای طبع بشری این فکر، بی‌اختیار به مغز آنها می‌افتاد که نکند وعده پیروزی خلاف شود! و یا اینکه ممکن است وعده پیروزی مشروط به شرائطی باشد که حاصل نشده باشد، اما به زودی بر این فکر پیروز می‌شدند و آن را از صفحه خاطر دور می‌کردند و برق امید در دل آنها می‌درخشید. (مکارم شیرازی و همکاران ، ۹۹ / ۱۰). ابن مسعود، ابن عباس و ابن جبیر ضمائر را به رسل برگردانده اند ولی عایشه این قرائت را با توجه به عظمت انبیاء رد نموده است. (اندلسی، ۳۳۶ / ۶)

ترجمه چهارم: گمان کافران بر اینکه که به پیامبران دروغ گفته شده است:

(کافران) گمان بردند که به ایشان (یعنی پیامبران) دروغ گفته شده است. (فارسی، ۴۹۷).

کفار قوم گمان بردند که انبیاء به خداوند دروغ بسته اند و خداوند آنها را نفرستاده و دستوری بر آنها نیامده است. (طیب، ۷ / ۲۹۴). مشرکان گمان بردند که انبیاء به خداوند دروغ بسته اند و خداوند آنها را نفرستاده و دستوری بر آنها نیامده است. (اندلسی، ۳۳۶ / ۶)

توجیه ترجمه های چهار گانه:

توجیه ترجمه دسته اول:

قرائت «کذبوا» به تشدید و مجهول یعنی شرایط به حدی رسید که پیغمبران از ایمان قوم به اخبار الهی ناامید شدند. وَ ظَنُّوا أَنَّهُمْ قَدْ كُذِّبُوا: و یقین کردند که تکذیب شده اند. (ابن الجزری، ۶۷ / ۱)

عایشه و حسن و عطا و زهری و قتاده «کذبوا» به تشدید و به صورت مجهول، قرائت کرده‌اند. و از ابن عباس و مجاهد نقل شده که «کذبوا» را به تخفیف و به صورت معلوم قرائت کرده‌اند. (طبرسی فضل بن حسن، ۴۱۲ / ۵ - ۴۱۳؛ مترجمان، ۳۱۲ / ۱۲).

دلیل کسی که به تشدید خوانده است، فرموده خداوند متعال است: «فَقَدْ كَذَّبْتَ رَسُولٌ مِنْ قَبْلِكَ» همچنین «فَكَذَّبُوا رَسُولِي» و «إِنَّا كَذَّبَ الرَّسُولَ» نیز موید قرائت آنها است. (ابو محمد مکی بن ابی طالب، ۱۵/۲؛ ابوزرعه، ۳۶۷؛ طبرسی فضل بن حسن، ۵/۴۱۳-۴۱۴) و سیاق آیه بر قراءت به تشدید دلالت می کند. (ابوالفتوح رازی، ۱۱/۱۷۱).

توجیه ترجمه دسته دوم:

«کذبوا» به تخفیف و معلوم یعنی قوم گمان کردند که انبیا دروغ گویند. (ابن الجزری، ۶۷/۱؛ حسینی شاه عبدالعظیمی، ۶/۳۱۶-۳۱۵؛ ابوالفتوح رازی، ۱۱/۱۷۱) قرائت ائمه علیهم السلام به تخفیف و معلوم است یعنی و مرسل الیه گمان کردند حقیقتا رسولان در آنچه ایشان را خبر داده بودند از نصرت دادن خدای تعالی، به ایشان دروغ گفته اند زیرا یاری خداوند شامل حال آنها نشده بود. (ابو محمد مکی بن ابی طالب، ۱۵/۲؛ شریف لاهیجی، ۲/۵۷۲-۵۷۱).

اما حجت و دلیل کسی که به تخفیف خوانده است {معلوم یا مجهول}، فرموده خداوند متعال است که «قَعَدَ الَّذِينَ كَذَبُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ». (ابوزرعه، ۳۶۶؛ طبرسی فضل بن حسن، ۵/۴۱۴-۴۱۳).

وثنائی ننجی احذف و شدد و حرکا کذا نل و خفف کذبوا ثابتا تلا. (الشاطبی، ۱/۱۰۵)

توجیه ترجمه دسته سوم:

این ترجمه توجیه قرائی ندارد.

توجیه ترجمه دسته چهارم:

«کذبوا» به تخفیف و مجهول یعنی: گمان کردند که به پیامبران دروغ گفته شده است یعنی وعده الهی به فتح و ظفر و نصرت دروغ بوده است. (اهل کوفه «کذبوا» را به تخفیف قرائت کرده اند. (ابن الجزری، ۲/۳۳۳؛ ابوزرعه، ۳۶۶؛ طوسی، ۶/۲۰۷) و ابو جعفر «کذبوا» را به تخفیف و به صورت مجهول (بر طبق قرائت معروف) قرائت کرده اند، قرائت حضرت علی علیه السلام و امام زین العابدین و باقر و صادق علیهم السلام و زید بن علی و جمع دیگری نیز همین است. (طبرسی فضل بن حسن، ۵/۴۱۳-۴۱۲؛ مترجمان، ۱۲/۳۱۲؛ ابوالفتوح رازی، ۱۱/۱۷۱) در قرائت به تخفیف و مجهول اگر ظن به معنی یقین باشد و ضمائر به مرسل الیهم برگردد معنی آن چنین می شود: و رسولان یقین کردند که قطعا به آنها دروغ گفته شده است یعنی قوم ایشان درباره ایمان آوردنشان به ایشان دروغ گفتند و ایمان نیاوردند لذا نصرت ما که نزول عذاب بر مکذبین قوم است، نازل شد؛ در این صورت معنای آیه منافات با عصمت نخواهد داشت. (شریف لاهیجی، ۲/۵۷۲-۵۷۱).

همان طور که ملاحظه می‌نمایید اختلاف قرائت در کلمه « كَذَّبُوا » در این آیه دو گونه است، به تخفیف و به تشدید که هر کدام مفهومی را افاده می‌کند. قرائت به تخفیف به معنای دروغ گفتن و قرائت به تشدید به معنای تکذیب نمودن است؛ اما این که چه کسی به چه کسی دروغ گفته یا چه کسی دیگری را تکذیب نموده، با توجه به اختلاف قرائت به دست نمی‌آید بلکه نیازمند توجه به مرجع ضمیر در «ظنوا» است.

همان طور که ملاحظه گردید ترجمه سوم هیچگونه توجیه قرائی نداشت لذا پس از بررسی تفسیر و قرائات چنین به نظر می‌آید که ترجمه دسته سوم ناشی از وجود دلیل روایی است؛ در ذیل به بررسی و نقد این روایات پرداخته می‌شود:

بررسی سند و متن دلیل روایی موید ترجمه دسته سوم

عن ابی بصیر، عن ابی عبد الله علیه السلام فی قول الله « حَتَّىٰ إِذَا اسْتَيْسَرَ الرَّسُولُ وَظَنُّوا أَنَّهُمْ قَدْ كَذَّبُوا »، مخففه، قال: «ظنت الرسل ان الشیاطین تمثل لهم علی صورة الملائکه؛ ابو بصیر از ابا عبد الله علیه السلام نقل می‌کند که درباره آیه « حَتَّىٰ إِذَا اسْتَيْسَرَ الرَّسُولُ وَظَنُّوا أَنَّهُمْ قَدْ كَذَّبُوا »، اگر به صورت تخفیف خوانده شود چه معنایی دارد، فرمود یعنی انبیا گمان بردند شیاطین به صورت ملائکه بر آنها پدیدار شده اند». (قمی، ۱/ ۳۵۸؛ بحرانی، ۲/ ۲۷۶؛ مجلسی، ۱۸/ ۲۶۱؛ قمی مشهدی، ۶/ ۴۰۰؛ موسوی دارابی، ۲/ ۱۱۴؛ شریف لاهیجی، ۲/ ۵۶۹)

اگر «كَذَّبُوا» به صورت معلوم باشد و ضمائر به رسولان ارجاع داده شود در برخی اخبار وارد شده که خداوند لحظه‌ای به مقدار یک چشم بر هم زدن یا کمتر، آنها را به خودشان واگذار کرد تا این که آنها گمان کردند که در وعده یاری و وارد آمدن عذاب بر تکذیب کنندگان به آنها دروغ گفته شده بدین نحو که گمان کردند که شیطان به صورت ملائکه وحی درآمده و اخبار یاری و عذاب را بر آنها به دروغ گفته است. (بحرانی، ۳/ ۲۱۷؛ مجلسی، ۱۸/ ۲۶۱؛ خانی و ریاضی، ۷/ ۵۹۶).

الف) بررسی سند احادیث

سند احادیث موید ترجمه سوم نهایتاً به شرح ذیل است:

قال علی بن إبراهیم: حدثنی أبی، عن محمد بن أبی عمیر، عن أبی بصیر، عن أبی عبد الله (علیه السلام)، قال: «و کلهم إلی أنفسهم، فظنوا أن الشیاطین قد تمثلت لهم فی صورة الملائکه» (قمی، ۱/ ۳۵۸؛ بحرانی، ۲/ ۲۷۶؛ مجلسی، ۱۸/ ۲۶۱)

عن ابن شعیب، عن أبي عبد الله (عليه السلام)، قال: «وكلهم الله إلى أنفسهم أقل من طرفه عين». (بحرانی، ۳/ ۲۱۷؛ مجلسی، ۱۸/ ۲۶۱).

این دو حدیث بخصوص مورد اول دور از ذهن می باشد. (مجلسی، ۱۸/ ۲۶۱)

در کتب رجالی در ارتباط با وثاقت علی بن ابراهیم بن هاشم (نجاشی، ۲۶۱؛ حلی، ۱۰۰) و ابراهیم بن هاشم ابو اسحاق (نجاشی، ۱۶) ابو بصیر حماد بن عبدالله (خویی، ۴۴/۲۱؛ الجواهری، ۶۸۶) سخن به میان آمده است اما محمد بن ابی عمیر را غیر از محمد بن ابی عمیر زیاد بن عیسی دانسته اند و گفته شده که وثاقتش ثابت نشده و مجهول می باشد. (خویی، ۴۱۵/۱۴-۴۳۵؛ الجواهری، ۴۸۷) همچنین درباره ابن شعیب آمده است که همه روایاتش از ابی عبد الله علیه السلام است و مجهول می باشد. (خویی، ۲۳۵/۱؛ الجواهری، ۹) حاصل آنکه آنچه در ارتباط با روایان این احادیث بدست آمد در مجموع بیانگر آن است که این دسته از احادیث قابل اعتنا نمی باشد زیرا گرچه برخی از افراد سلسله سند ثقه هستند اما در سلسله سند افراد مجهول یا روایانی که از ضعف نقل حدیث می کنند هم وجود دارند.

لازم به ذکر است که پس از بررسی منابع مختلف نهایتاً منبع این دو حدیث در همه کتب به تفسیر عیاشی و قمی می رسد که تفسیر عیاشی تفسیری نفیس بوده که سخنان ائمه در آن گردآوری شده و همه روایات با سند آورده بوده است و تا پایان قرآن را نوشته اما این تفسیر به طور کامل به ما نرسیده است. برخی نیز از روی غفلت سندهای آن را حذف کرده و تنها به اولین راوی حدیث از امام اکتفا نموده است. (معرفت، ۱۷۷/۲) تفسیر قمی نیز از ابوالحسن علی ابن ابراهیم بن هاشم قمی از مشایخ بزرگ حدیث بوده است که فردی ثقه، ضابط، مورد اعتماد و راست عقیده است. (نجاشی، ۲۶۱) پدرش نیز ثقه، ضابط و مورد اعتماد بوده است. (معرفت، ۱۸۳/۲) اما علامه معاصر، سید موسی زنجانی، احتمال میدهد که راوی تفسیر معروف به تفسیر قمی، علی بن حاتم بن ابی حاتم قزوینی است که همواره از ضعفا (روایان ضعیف و غیر موثق) روایت می کند. (معرفت، ۱۸۴/۲) باری این تفسیر آمیخته ای است از تفسیر علی ابن ابراهیم قمی و تفسیر ابی الجارود زیدی مذهب و روایات دیگران. لذا انتساب آن به علی ابن ابراهیم قمی ارزش سندی ندارد و به هر حال فاقد اعتبار است. (معرفت، ۱۸۴/۲).

ب) بررسی متن احادیث

در بررسی متن این حدیث می توان به مبحث عصمت اشاره داشت زیرا متن این حدیث با مباحث عصمت انبیاء تنافی دارد. از آنجایی که این نوشتار گنجایش مباحث مفصل کلامی را ندارد به اختصار باید گفت: یکی از مباحث کلامی که با دلایل نقلی و عقلی اثبات شده است مبحث عصمت است. به گفته خواجه طوسی: «يجب في النبى، العصمة ليحصل الوثوق، فيحصل الغرض و لوجوب متابعته» (نصیر الدین طوسی، ۲۱۳) در ارتباط با مبحث عصمت (نک: صدوق؛ صدوق؛ حلی؛ نراقی؛ حسینی تهرانی؛ شبلی نعمانی؛ محمدی؛ لاهیجی؛ طیب) به نظر می رسد در رد ترجمه دسته سوم باید گفت پیغمبر انسان کاملی است که خداوند برای تکمیل و راهنمایی بشر به طریق ثواب و راه معرفت و اطاعت و احتراز از معصیت و وادار نمودن آنان به آنچه صلاح دنیا و آخرت است و بازداشتن آنان از آنچه موجب زیان هر دو عالم می باشد و بیدار کردن آنها از خواب غفلت و رها نمودنشان از قید هوی و هوس و شهوت و بالجمله برای برخوردار نمودن بشر از سعادت دنیا و آخرت مبعوث میگرداند. بنابراین اگر گناه یا فعل قبیح و خلاف شریعت از پیغمبر صادر شود نقض غرض لازم آید زیرا وی مجری قانون الهی است و اگر خودش به قوانین عمل نکند نمی تواند از سایرین جلوگیری نماید و مخالفت وی با قانون موجب جرات دیگران بر نافرمانی بلکه عذر آنها می شود. (طیب، ۱۵۸) پس با توجه به اینکه در تعریف عصمت می توان گفت: «عصمت عبارتست از آنچه انسان را از گناه و اشتباه مصون می دارد» (محمدی، ۱۷۱) و با توجه به اینکه یاس از پروردگار در شمار گناهان کبیره قرار دارد و نص قرآن به این مطلب اذعان دارد که: «وَلَا تَيْأَسُوا مِنْ رَوْحِ اللَّهِ إِنَّهُ لَا يَيْأَسُ مِنْ رَوْحِ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْكَافِرُونَ» (یوسف، ۸۷) نه تنها انبیاء که حتی مردم عادی هم از خدا نباید مایوس شوند زیرا خداوند متعال می فرماید: «اللَّهُ أَعْلَمُ حَيْثُ يَجْعَلُ رِسَالَتَهُ». (الانعام، ۱۲۴) لذا ترجمه سوم کنار گذاشته می شود.

نتیجه گیری:

از نمونه های ارائه شده و مباحث تفسیری، قرائی و روایات مطرح شده معلوم می گردد:

۱. ترجمه های موجود مبین چهار مفهوم برای این آیه هستند: ۱- تکذیب شدن انبیاء توسط کفار یا مردم. ۲- گمان مردم بر اینکه انبیاء به آنها دروغ گفته اند. ۳- گمان انبیاء بر اینکه خداوند خلف وعده خواهد کرد. ۴- گمان کافران مبنی بر این که به پیامبران دروغ گفته شده است.
۲. ترجمه های گروه اول، دوم و چهارم ناشی از اختلاف قرائت است.
۳. ترجمه گروه سوم نادرست است و فاقد منشا قرائی است که این اشتباه یا از غفلت مترجم در برداشت قرائی-ادبی آیه است و یا منظور مترجم، همان مقصود مترجمین گروه اول و دوم است اما کلمه مردم، قوم یا کافران را فراموش نموده اند.

۴. ترجمه های گروه سوم با تقدیر گرفتن کلمه مردم، قوم یا کافران قابل تصحیح می باشد به عنوان مثال در ترجمه الهی قمشه ای آمده است: * (مردم با انبیاء چندان ضدیت کردند) تا آنجا که رسولان مایوس شده و گمان کردند که وعده نصرت خدا خلاف خواهد شد (یا گمان کردند که دیگر هیچ کس تصدیق آنها نخواهد کرد). (الهی قمشه ای،: ۲۴۸). به نظر می رسد با افزودن واژه [مردم] به ترجمه ایشان بتوان آن را ترمیم نمود: * (مردم با انبیاء چندان ضدیت کردند) تا آنجا که رسولان مایوس شده و [مردم] گمان کردند که وعده نصرت خدا خلاف خواهد شد (یا گمان کردند که دیگر هیچ کس تصدیق آنها نخواهد کرد). این ترجمه، توهم عدم عصمت و تصور این که انبیا وعده خداوند را دروغ و خلاف بیندارند از بین خواهد برد.

۵. اگر چه ترجمه دسته سوم دارای دلیل روایی است اما این روایات مورد مناقشه و جرح سند و متن قرار می گیرد؛ سند این روایت به خاطر حضور راویان مجهول در روایت رد می شود و رد شدن متن این روایت به این علت است که در بردارنده استنباط عدم عصمت انبیاء است که این مبحث (عصمت) در متون متقن کلامی اثبات شده است.

۶. نکته قابل ذکر اینکه ترجمه دسته سوم یعنی « گمان انبیاء بر اینکه خداوند خلف وعده خواهد کرد.» متأثر از ساختار متن آیه و اختلاف در مرجع ضمیر «ظنوا» می باشد بدین معنا که ارجاع ضمیر به رسل موجب چنین برداشت نادرستی شده که ممکن است این اشتباه ناشی از غفلت مترجم در برداشت ادبی آیه باشد.

۷. لازم به ذکر است که برخی از مترجمان به اختلاف قرائت توجه نموده اند و به دو صورت معنای مورد نظرشان را بیان نموده، به عنوان مثال ترجمه فیض الاسلام را می توان نام برد: * یقین و باور نمودند که کفار، ایشان را **دروغگو دانند** (یا کفار گمان کردند که پیغمبران «درباره مژده دادن به ثواب و پاداش و ترساندن از عذاب و کیفر» با ایشان **دروغ می گویند**). (فیض الاسلام، ۲/ ۴۷۸-۴۷۷).

کتابشناسی

۱- قرآن به ترجمه های آیتی، ارفع، اشرفی تبریزی، الهی قمشه ای، انصاری، انصاریان، برزی، بروجردی، بهرام پور، بی تا، پورجوادی، پاینده، حلبی، خواجوی، دهلوی، صفارزاده، رضایی اصفهانی و همکاران، رهنما، سراج، شعرانی، صادق نوبری، مصباح زاده، مکارم شیرازی، معزی، یاسری.

۲- ابو محمد مکی بن ابی طالب، *الکشف عن وجوه قرائات السبع و عللها و حججها*. چ دوم، تحقیق محیی الدین رمضان، بیروت: موسسه الرساله؛ ۱۴۰۱ ق، ۱۹۸۱ م.

۳- ابن الجزری، شمس الدین ابوالخیر محمد، *النشر فی القراءات العشر*. تحقیق: علی محمد الضباع - شیخ عموم المقاری: بالدیار المصریه؛ بی تا.

- ۴- ابو زرعه عبدالرحمن بن محمد بن زنجله، *حججه القرائات*. چ پنجم، تحقيق سعيد الافغانى، بيروت: موسسه الرساله؛ ۱۳۹۴ق.
- ۵- اسفراينى، ابو المظفر شاهفور بن طاهر، *تاج التراجم فى تفسير القرآن للأعاجم*. تهران: انتشارات علمى و فرهنگى، ۱۳۷۵ش.
- ۶- امين، نصرت، *مخزن العرفان در تفسير قرآن*. تهران: نهضت زنان؛ ۱۳۶۱ش.
- ۷- اندلسى، ابوحيان محمد بن يوسف، *البحر المحيط فى التفسير*. بيروت: دارالفكر؛ ۱۴۲۰ق.
- ۸- بحراني، سيد هاشم، *البرهان فى تفسير القرآن*. تهران: بنياد بعثت؛ ۱۴۱۶ق.
- ۹- الجواهرى، محمد، *المفيد من المعجم رجال الحديث*. چ دوم، قم: محلاتى؛ ۱۴۲۴ق.
- ۱۰- حسيني تهراينى، سيد محمد حسين، *امام شناسى*. چ سوم، مشهد: انتشارات علامه طباطبايى؛ ۱۴۲۶ق.
- ۱۱- حسيني شاه عبدالعظيمى، *تفسير اثنا عشرى*. تهران: ميقات؛ ۱۳۶۳ش.
- ۱۲- حسيني همدانى، سيد محمد حسين، *انوار درخشان*. تهران: كتابفروشى لطفى؛ ۱۴۰۴ق.
- ۱۳- حلى، حسن بن يوسف بن مطهر، *خلاصه الاقوال*. قم: دار الذخائر؛ ۱۴۱۱ق.
- ۱۴- همو، *الالفين*. قم: الموسسه الاسلاميه؛ ۱۴۲۳ق.
- ۱۵- خانى، رضا وحشمت الله رياضى، *ترجمه بيان السعاده فى مقامات العباده*. تهران: دانشگاه پیام نور؛ ۱۳۷۲ش.
- ۱۶- خسروانى، عليرضا، *تفسير خسروى*. تهران: اسلاميه؛ ۱۳۹۰ق.
- ۱۷- خويى، ابوالقاسم، *معجم رجال الحديث*. قم: مركز نشر آثار شيعه؛ ۱۴۱۰ق.
- ۱۸- الدانى، أبو عمرو عثمان بن سعيد بن عثمان بن عمرو، *التيسير فى القراءات السبع*. چ دوم، بيروت: دار النشر، دار الكتاب العربى؛ ۱۴۰۴ق.
- ۱۹- رازى، ابوالفتوح حسين بن على بن محمد بن احمد، *روض الجنان و روح الجنان فى تفسير القرآن*. تصحيح محمد جعفر ياحقى و محمد مهدي ناصح، مشهد: بنياد پژوهشهاى اسلامى آستان قدس رضوى؛ ۱۴۰۸ق.
- ۲۰- رشيدالدين ميبدي احمد بن ابى سعد، *كشف الأسرار و عده الأبرار*. چ پنجم، تحقيق على اصغر حكمت، تهران: اميركبير؛ ۱۳۷۱ش.
- ۲۱- الشاطبى، القاسم بن فيره بن خلف، *حزب الأمانى ووجه التهانى فى القراءات السبع*. بيروت: دار الكتاب النفيس؛ ۱۴۰۷ق.

- ۲۲- شبلی نعمانی، تاریخ علم کلام. ترجمه سید محمد تقی فخر داعی، تهران: اساطیر؛ ۱۳۸۶ش.
- ۲۳- شریف لاهیجی، محمد بن علی، تفسیر شریف لاهیجی. تحقیق میر جلال الدین حسینی ارموی، تهران: دفتر نشر داد؛ ۱۳۷۳ش.
- ۲۴- صدوق، ابو جعفر بن علی بن بابویه، عیون أخبار الرضا علیه السلام. تهران: نشر جهان؛ ۱۳۷۸ ق.
- ۲۵- همو، الاعتقادات. چ دوم، قم: المؤتمر العالمی للشیخ المفید؛ ۱۴۱۴ ق.
- ۲۶- صفی علیشاه، حسن بن محمد باقر، تفسیر صفی. تهران: منوچهری؛ ۱۳۷۸ش.
- ۲۷- طبرسی فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن. چ سوم، تهران: ناصر خسرو؛ ۱۳۷۲ش.
- ۲۸- همو، جوامع الجامع. تهران: دانشگاه تهران و حوزه علمیه قم؛ ۱۳۷۷ش.
- ۲۹- طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن. تحقیق احمد قصیر عاملی، بیروت: دار احیاء تراث العربی؛ ۱۴۰۹ق.
- ۳۰- طوسی، نصیر الدین، تجرید الاعتقاد. بی جا: دفتر تبلیغات اسلامی؛ ۱۴۰۷ ق.
- ۳۱- طیب، سید عبد الحسین، کلم الطیب در تقریر عقاید اسلام. چ چهارم، تهران: انتشارات کتابخانه اسلام؛ ۱۳۶۲ش.
- ۳۲- همو، أطیب البیان فی تفسیر القرآن. چ دوم، تهران: اسلام؛ ۱۳۷۸ش.
- ۳۳- قرشی، سید علی اکبر، قاموس قران. چ ششم، تهران: دار الکتب الاسلامیه؛ ۱۳۷۱ش.
- ۳۴- قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی. تحقیق: سید طیب موسوی جزایری، قم: دار الکتب؛ ۱۳۶۷ش.
- ۳۵- قمی مشهدی، محمد بن محمد رضا، تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب. تحقیق: حسین درگاهی، سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی: تهران؛ ۱۳۶۸ش.
- ۳۶- لاهیجی، فیاض، گوهر مراد. تهران: نشر سایه؛ ۱۳۸۳ش.
- ۳۷- مترجمان، ترجمه تفسیر طبری. چ دوم، تحقیق حبیب یغمایی، تهران: توس؛ ۱۳۵۶ش.
- ۳۸- همو، ترجمه مجمع البیان فی تفسیر القرآن. تهران: فراهانی؛ ۱۳۶۰ش.
- ۳۹- همو، ترجمه تفسیر جوامع الجامع. چ دوم، مشهد: بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی؛ ۱۳۷۷ش.
- ۴۰- مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار. بیروت: موسسه الوفاء؛ ۱۴۰۴ ق.
- ۴۱- محمدی، رضا، عصمت در قرآن. بینات، شماره ۴۱، صص ۱۶۷ - ۱۹۹؛ ۱۳۸۳ش.

- ۴۲- محمدی، علی، شرح کشف المراد. چاپ چهارم، قم: دار الفکر؛ ۱۳۷۸ ش.
- ۴۳- مصطفوی، حسن، تفسیر روشن. تهران: مرکز نشر کتاب؛ ۱۳۸۰ ش.
- ۴۴- معرفت، هادی، تفسیر و مفسران. قم: موسسه التمهید؛ ۱۳۸۰ ش.
- ۴۵- مکارم شیرازی و همکاران، تفسیر نمونه. تهران: دار الکتب اسلامی؛ ۱۳۷۴ ش.
- ۴۶- موسوی دارابی، سید علی، نصوص فی علوم القرآن. مشهد: آستان قدس رضوی؛ ۱۳۸۲ ش.
- ۴۷- موسوی همدانی، محمد باقر، ترجمه تفسیر المیزان، قم: جامعه مدرسین قم؛ ۱۳۷۴ ش.
- ۴۸- نجاشی، احمد بن علی، رجال النجاشی. قم: انتشارات جامعه مدرسین؛ ۱۴۰۷ ق.
- ۴۹- نجفی خمینی، محمد جواد، تفسیر آسان. تهران: انتشارات اسلامی؛ ۱۳۹۸ ق.
- ۵۰- نراقی، ملا مهدی، انیس الموحدین. تصحیح و تعلیق شهید آیت الله قاضی، چاپ دوم، تهران: انتشارات الزهراء؛ ۱۳۶۹ ش.
- ۵۱- نسفی، ابو حفص نجم الدین محمد، تفسیر نسفی. چاپ سوم، تحقیق عزیز الله جوینی، تهران: سروش؛ ۱۳۶۷ ش.